

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی  
گروه روان‌شناسی کودکان با نیازهای خاص

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی کودکان با نیازهای خاص

**بررسی رابطه بین سبک دلبستگی مادران با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان**

**عقب‌مانده‌ی ذهنی مقطع دبیرستان شهر اصفهان**

استاد راهنما:

دکتر احمد عابدی

استاد مشاور:

دکتر سالار فرامرزی

پژوهشگر:

خلیل قاسمی

مهرماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی  
گروه روان‌شناسی کودکان با نیازهای خاص

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی کودکان با نیازهای خاص

آقای خلیل قاسمی تحت عنوان

**بررسی رابطه بین سبک دلبستگی مادران با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان**

**عقب‌مانده‌ی ذهنی مقطع دبیرستان شهر اصفهان**

در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان‌نامه

دکتر احمد عابدی

با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا

۲- استاد مشاور پایان‌نامه

دکتر سالار فرامرزی

با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا

۳- استاد داور داخل گروه

دکتر مختار ملک‌پور

با مرتبه‌ی علمی استاد امضا

۴- استاد داور خارج از گروه

دکتر مهرداد کلانتری

با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا

امضای مدیر گروه

## تذویر

پس اوان راوردای و دایان را و شادی و هم آوزی را ن طاود و ام  
مرا خاز بعم و دایش ری نذوچک دارم. اجالازم و دام راق آ مر.  
«نم' اخوقم' اخاق» ا. بردوان و دراز نرک، اسایدان ندی اخاز  
شادشان را دا. ام اعلام مام بالاص اتادان نذتاب آیان و مرعاری و دمر ازی و  
اجام ان قرا ون ارشاد و را مان می اتادا اشان و ده ن ر مرم و نذتاب آ می  
و ورملک در سکون صی اشان واره امام ش ن وده ات.

قدم

رروما د وزم

## چکیده

طبق نظریه دلبستگی، رفتار مادرانه و واکنش های مادر نسبت به فرزند خود تحت تأثیر سبک دلبستگی مادر قرار می گیرد؛ چرا که آنها بر اساس تجارب دوران کودکی خود از والدین به واکنش های هیجانی فرزندان خویش، پاسخ می دهند و شخصیت آنها را شکل می دهند. مادران با دلبستگی ایمن بیشتر از مادران نا ایمن، گرم، حمایت کننده و حساس هستند و در حل مسائل به کودکان خود کمک بیشتری می کنند. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط سبک دلبستگی مادران با بلوغ عاطفی فرزندان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر مقطع دبیرستان شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ به اجرا در آمد. در این مطالعه همبستگی با استفاده از نمونه گیری تصادفی، تعداد ۷۰ دانش آموز عقب مانده ذهنی مقطع دبیرستان اصفهان در هر سه پایه اول، دوم، سوم (سال ۱۳۹۰) به همراه مادران آنها مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت انجام بررسی و جمع آوری داده های مربوط به سبک دلبستگی مادر از پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (ASS) (هازان و شیور، ۱۹۸۷) و اطلاعات مربوط به بلوغ عاطفی دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی به بوسیله پرسشنامه ی بلوغ عاطفی (EMS) سینگ و بهارگاو (۱۹۹۹) جمع آوری شد. در این مطالعه از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده ها، همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها و تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین های سه گروه استفاده شد. یافته ها نشان داد که سبک دلبستگی ایمن در مادران با بلوغ عاطفی ارتباط مثبت معنادار دارد. ( $p < 0/01$ ). سبک دلبستگی نا ایمن دوسوگرا در مادران با بلوغ عاطفی دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی مقطع دبیرستان شهر اصفهان (۱۳۹۰) ارتباط منفی معناداری دارد ( $p < 0/05$ ). تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی مادران بر روی بلوغ عاطفی فرزندان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر آنها تأثیر دارد؛ به این معنا که هر چه سبک دلبستگی مادران ایمن تر باشد، نمره آزمون بلوغ عاطفی فرزندان پسر آنها بالاتر و هر چه سبک دلبستگی مادران نا ایمن تر (اجتنابی و دو سوگرا) باشد، نمره آزمون بلوغ عاطفی فرزندان پسر آنها کمتر می باشد.

واژگان کلیدی: سبک دلبستگی، بلوغ عاطفی، عقب ماندگی ذهنی آموزش پذیر.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>
۱-۱	مقدمه..... ۱
۲-۱	بیان مسئله..... ۴
۳-۱	ضرورت واهمیت پژوهش..... ۶
۴-۱	اهداف پژوهش..... ۹
۵-۱	فرضیه‌های تحقیق..... ۱۰
۶-۱	سوالات پژوهشی..... ۱۱
۷-۱	متغیرها..... ۱۱
۱-۷-۱	تعاریف مفهومی و عملیاتی..... ۱۱
	<b>فصل دوم: پیشینه تحقیق</b>
۱-۲	مقدمه..... ۱۴
۲-۲	تعریف دل بستگی..... ۱۵
۳-۲	دیدگاه‌ها در مورد دل بستگی..... ۱۷
۱-۳-۲	دیدگاه بالبی در مورد دل بستگی..... ۱۷
۲-۳-۲	دیدگاه اینزورث در مورد دل بستگی..... ۱۹
۴-۲	رویکردهای نظری..... ۲۲
۱-۴-۲	نظریه درونکاوی..... ۲۲
۲-۴-۲	نظریه‌ی تحلیل روانی..... ۲۴
۱-۲-۴-۲	دیدگاه روان تحلیلگری..... ۲۵
۲-۲-۴-۲	آنا فروید..... ۲۶
۳-۲-۴-۲	وینی کات..... ۲۶
۴-۲-۴-۲	دیدگاه اریک اریکسون..... ۲۷
۳-۴-۲	دیدگاه یادگیری..... ۲۷
۴-۴-۲	نظریه‌ی کردارشناسی..... ۲۸
۵-۴-۲	جمع‌بندی و بازنگری نظریه‌های دل بستگی..... ۲۹
۵-۲	ابعاد دل بستگی..... ۳۱



عنوان	صفحه
۶-۲ اساس زیستی دلبستگی.....	۳۱
۷-۲ رفتارهای دلبستگی، الگوهای دلبستگی.....	۳۲
۸-۲ پایداریهای دلبستگی.....	۳۴
۹-۲ مراحل دلبستگی.....	۳۴
۱۰-۲ طبقه‌بندی کیفیت دلبستگی نوزاد.....	۳۵
۱-۱۰-۲ دلبستگی «ایمن».....	۳۵
۲-۱۰-۲ دلبستگی نایمن «اجتنابی».....	۳۶
۳-۱۰-۲ دلبستگی نایمن «دوسوگرا».....	۳۶
۴-۱۰-۲ دلبستگی آشفته.....	۳۶
۱۱-۲ انواع سبک‌های دلبستگی بزرگسالان.....	۳۷
۱-۱۱-۲ سبک ایمن.....	۳۷
۲-۱۱-۲ سبک نایمن مشوش.....	۳۷
۳-۱۱-۲ سبک اجتنابی - طرد کننده.....	۳۷
۴-۱۱-۲ سبک اجتنابی - خشمگین.....	۳۸
۱۲-۲ مراحل پدیدآیی دلبستگی کودک به مادر.....	۳۸
۱۳-۲ تحول رفتارهای دلبستگی در نوجوانی و بزرگسالی.....	۳۹
۱۴-۲ اختلال دلبستگی.....	۴۱
۱-۱۴-۲ سیر اختلال.....	۴۳
۲-۱۴-۲ انواع فرعی.....	۴۴
۳-۱۴-۲ درمان.....	۴۴
۱۵-۲ بلوغ عاطفی.....	۴۵
۱۶-۲ ماهیت بلوغ.....	۴۶
۱۷-۲ تکوین اختلالات عاطفی.....	۴۶
۱۸-۲ انواع بلوغ.....	۴۷
۱۹-۲ معیارهای بلوغ عاطفی یا شخصیت بالغ.....	۵۲
۲۰-۲ بررسی بلوغ عاطفی از دیدگاه نظریه‌های روان شناختی.....	۵۲
۲۱-۲ تعاریف عقب‌ماندگی ذهنی.....	۶۱
۲۲-۲ طبقه‌بندی عقب‌ماندگی ذهنی.....	۶۶

۶۶	۱-۲۲-۲ طبقه‌بندی انجمن روان پزشکی آمریکا.....
۶۷	۲-۲۲-۲ طبقه‌بندی سازمان بهداشت جهانی.....
۶۷	۳-۲۲-۲ طبقه‌بندی انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا.....
۶۷	۴-۲۲-۲ طبقه‌بندی عقب‌ماندگی ذهنی از دیدگاه متخصصان آموزش و پرورش.....
۶۸	۲۳-۲ پژوهش‌های انجام شده در خارج کشور.....
۷۵	۲۴-۲ پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور.....

### فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۷۹	۱-۳ مقدمه.....
۷۹	۲-۳ روش تحقیق.....
۸۰	۳-۳ جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری.....
۸۰	۱-۳-۳ جامعه آماری.....
۸۰	۲-۳-۳ نمونه آماری.....
۸۱	۳-۳-۳ روش‌های نمونه‌گیری.....
۸۱	۴-۳ ابزار گردآوری اطلاعات بیان ویژگی‌ها، روایی و پایایی آن.....
۸۱	۱-۴-۳ ابزار گردآوری اطلاعات.....
۸۴	۵-۳ شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات.....

### فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

۸۵	۱-۴ مقدمه.....
۸۵	۲-۴ یافته‌های توصیفی.....
۸۶	۱-۲-۴ سن.....
۸۷	۲-۲-۴ پایه‌ی تحصیلی.....
۸۸	۳-۴ یافته‌های استنباطی.....
۸۸	۱-۳-۴ ضریب همبستگی پیرسون.....
۹۸	۲-۳-۴ رگرسیون چندگانه.....
۹۹	۳-۳-۴ سؤال‌های پژوهشی.....

## فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

۱۰۲.....	۱-۵ خلاصه پژوهش.....
۱۰۳.....	۲-۵ بحث و تفسیر در یافته‌های پژوهش.....
۱۰۳.....	۱-۲-۵ فرضیه‌های پژوهش.....
۱۱۰.....	۲-۲-۵ نتیجه‌گیری.....
۱۱۱.....	۳-۵ محدودیت‌های پژوهش.....
۱۱۲.....	۴-۵ پیشنهادات.....
۱۱۲.....	۱-۴-۵ پیشنهادات پژوهش.....
۱۱۳.....	۲-۴-۵ پیشنهادات کاربردی.....
۱۱۴.....	منابع و مأخذ.....

## فهرست شکل‌ها

عنوان	صفحه
شکل ۱-۲ ویژگی‌های دلبستگی.....	۱۸
شکل ۲-۲ ارزیابی «وضعیت ناآشنا» اینزورث.....	۲۱
شکل ۳-۲ تفاوت‌های دلبستگی در الگوهای فعال درونی.....	۳۳
شکل ۴-۲ طبقه‌بندی دلبستگی بزرگسالان.....	۳۸
شکل ۱-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب سن.....	۸۶
شکل ۲-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب پایه‌ی تحصیلی.....	۸۷
شکل ۳-۴ میانگین نمرات سبک دلبستگی ایمن مادر با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۸۸
شکل ۴-۴ میانگین نمرات سبک دلبستگی ایمن مادر با ابعاد بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۹۰
شکل ۵-۴ میانگین نمرات سبک دلبستگی نایمن مادر با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۹۱
شکل ۶-۴ میانگین نمرات سبک دلبستگی نایمن مادر با ابعاد بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۹۳
شکل ۷-۴ میانگین نمرات سبک دلبستگی دوسوگرای مادر با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۹۴
شکل ۸-۴ میانگین نمرات سبک دلبستگی دوسوگرای مادر با ابعاد بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۹۶
شکل ۹-۴ میانگین نمرات سبک‌های دلبستگی مادران با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۹۷

## فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۳ توزیع فراوانی جامعه آماری بر حسب بر حسب ناحیه.....	۸۰
جدول ۲-۳ توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب ناحیه.....	۸۱
جدول ۱-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب سن.....	۸۶
جدول ۲-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب پایه‌ی تحصیلی.....	۸۷
جدول ۳-۴ داده‌های توصیفی آزمودنی‌ها (n=۷۰).....	۸۸
جدول ۴-۴ همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن مادر و بلوغ عاطفی دانش‌آموزان (n=۷۰).....	۸۹
جدول ۵-۴ داده‌های توصیفی آزمودنی‌ها (n=۷۰).....	۸۹
جدول ۶-۴ همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن مادر و ابعاد بلوغ عاطفی دانش‌آموزان (n=۷۰).....	۹۰
جدول ۷-۴ داده‌های توصیفی آزمودنی‌ها (n=۷۰).....	۹۱
جدول ۸-۴ همبستگی بین سبک دلبستگی ناایمن مادر و بلوغ عاطفی دانش‌آموزان (n=۷۰).....	۹۲
جدول ۹-۴ داده‌های توصیفی آزمودنی‌ها (n=۷۰).....	۹۲
جدول ۱۰-۴ همبستگی بین سبک دلبستگی ناایمن مادر و ابعاد بلوغ عاطفی دانش‌آموزان (n=۷۰).....	۹۳
جدول ۱۱-۴ داده‌های توصیفی آزمودنی‌ها (n=۷۰).....	۹۴
جدول ۱۲-۴ همبستگی بین سبک دلبستگی دوسوگرای مادر و بلوغ عاطفی دانش‌آموزان (n=۷۰).....	۹۵
جدول ۱۳-۴ داده‌های توصیفی آزمودنی‌ها (n=۷۰).....	۹۵
جدول ۱۴-۴ همبستگی بین سبک دلبستگی دوسوگرای مادر و ابعاد بلوغ عاطفی دانش‌آموزان (n=۷۰).....	۹۶
جدول ۱۵-۴ داده‌های توصیفی آزمودنی‌ها (n=۷۰).....	۹۷
جدول ۱۶-۴ همبستگی بین سبک‌های دلبستگی مادران و ابعاد بلوغ عاطفی دانش‌آموزان (n=۷۰).....	۹۸
جدول ۱۷-۴ خلاصه مدل.....	۹۸
جدول ۱۸-۴ تحلیل رگرسیون به شیوه ورود سبک‌های دلبستگی مادران از روی بلوغ عاطفی دانش‌آموزان.....	۹۹
جدول ۱۹-۴ فراوانی، میانگین و انحراف معیار سؤال پژوهش به تفکیک سن.....	۹۹
جدول ۲۰-۴ نتایج تحلیل آنوا برای متغیر سن.....	۱۰۰
جدول ۲۱-۴ خلاصه داده‌های آزمون کروسکال والیس برای متغیر سن.....	۱۰۰
جدول ۲۲-۴ فراوانی، میانگین و انحراف معیار سؤال پژوهش به تفکیک پایه‌ی تحصیلی.....	۱۰۱
جدول ۲۳-۴ نتایج تحلیل آنوا برای متغیر پایه‌ی تحصیلی.....	۱۰۱

عنوان

صفحه

جدول ۴-۲۴ خلاصه داده‌های آزمون کروسکال والیس برای متغیر پایه‌ی تحصیلی ..... ۱۰۱

## فصل اول

### کلیات تحقیق

#### ۱-۱ مقدمه

خانواده و به ویژه مادر نخستین و مهمترین نقش را در رشد شخصیت و فرایند اجتماعی شدن کودک برعهده دارد، زیرا محیط خانواده، نخستین محیطی است که در آن کودک از تعاملات انسانی آگاهی می‌یابد (بیابانگرد، ۱۳۸۴).

در حوزه روانشناسی اگرچه در خصوص روابط اولیه مادر و نوزاد دیدگاه‌های متعدد ارائه شده است؛ ولی یکی از معروفترین دیدگاه‌ها، نظریه دلبستگی<sup>۱</sup> می‌باشد که از طرف جان بالبی<sup>۲</sup> مطرح شده است نظر بالبی برای تأمین سلامت روانی و رشد هیجانی و عاطفی مطلوب کودک، برقراری روابط صمیمی، گرم، دایمی و رضایت بخش بین او و مادرش یا کسی که بطور شایسته‌ای بتواند جانشین وی شود، ضروری است (مظاهری، ۱۳۷۹).

از نظر بالبی (۱۹۶۹) تعاملات واقعی با چهره دلبستگی به دو شکل در حافظه ذخیره می‌گردد: ۱- بازنمایی‌های ذهنی کودک از پاسخ چهره دلبستگی (الگوهای فعال از خود)، الگوهای فعال در مورد خود و دیگران علت اصلی تداوم و کارآمدی و ارزش خود (الگوهای فعال از خود)، الگوهای فعال در مورد خود و دیگران علت اصلی تداوم و پیوستگی بین تجارب دلبستگی اولیه با شناخت‌ها، احساسات، رفتارها و روابط بعدی است و به عنوان هسته

---

1. Attachment theory  
2. Bowlby

ویژگی‌های شخصیتی، تمایل به بروز و به کارگیری در موقعیت‌ها و روابط جدید داد و می‌تواند عملکرد سیستم دلبستگی را در تعاملات اجتماعی و روابط نزدیک آینده تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر سبک‌های سنگین افراد بر مبنای درون‌سازی انتظارات بین شخصی در مورد قابل دسترس و پاسخگو بودن چهره دلبستگی (مادر) و کارآمد و ارزشمند بودن خود شکل می‌گیرد (میکولیسنر و شاور، ۲۰۰۵).

تفاوت‌های فردی در الگوهای فعال درونی، موجب شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی متفاوت می‌گردد. بررسی‌های اولیه در زمینه سبک‌های دلبستگی از سوی آیزورث<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) انجام گرفت و سه الگوی دلبستگی ایمن<sup>۲</sup>، نایمن اجتنابی<sup>۳</sup> و نایمن دوسوگرا<sup>۴</sup> شناسایی شد (ون ایجن دورن<sup>۵</sup> و کرونینبرگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). از نظر اسمیت سون (۱۹۷۴)، به نقل از صفاپور، (۱۳۸۵) بلوغ عاطفی جریانی است که طی آن شخصیت فرد به طور مداوم برای احراز پیش از پیش سلامت عاطفی، از لحاظ روانی و فردی می‌کوشد.

ویژگی‌های بلوغ عاطفی از دیدگاه موری (۱۹۹۷) بدین ترتیب می‌باشد:

۱) توانایی روبرو شدن با واقعیت زندگی و تجزیه و تحلیل جزئیات آن وقایع

۲) توانایی تعبیر مثبت از تجربیات ناگوار زندگی

۳) توانایی یادگیری از شکستها و تجارب تلخ گذشته

۴) توانایی پذیرش شکستها و ناکامی‌ها

۵) توانایی کنترل خشم کودکی که از لحاظ عاطفی بالغ است.

۶) توان سازگاری مؤثر با خود، اعضای خانواده، همسالان، جامعه و فرهنگ خویش را داراست.

کودکی که از لحاظ عاطفی بالغ است توان سازگاری مؤثر با خود، اعضای خانواده، همسالان، جامعه و فرهنگ خویش را دارا است، اما بلوغ صرفاً به معنای قابلیت نگرش و عمل خاص نیست، بلکه توانایی لذت کامل از آنها را هم شامل می‌شود.

پیوند عاطفی برحسب دلبستگی ایجاد و بر اثر جدائی و فقدان گسسته می‌گردد و فرو می‌پاشد؛ فرآیندی که از ویژگی پیوند عاطفی انسان از گهواره تا گور است (بالبی، ۱۹۸۰). بسیاری از روان‌شناسان فقط بر نقش مهم روابط اولیه والدین و کودکان اشاره می‌کنند. اما در بین تمامی عوامل شناخته شده، شاید نتوان هیچ عاملی را

- 
1. Ainsworth
  2. Secure
  3. Insecure avoidant
  4. Inesecure ambivale
  5. Van Ijzendoorn
  6. Kranenburg



بنیادی تر از دلبستگی یافت چرا که این مفهوم به عنوان یکی از عوامل بین فردی بررسی شده است، نخستین بار به عنوان کشاننده‌ای نخستین ذکر شد. دلبستگی، طی نخستین روابط پدر و مادر با کودک ساخته می‌شود. سپس، موجب شکل‌گیری سامانه‌ای از رفتارهای دلبستگی می‌شود که جزء مکمل رفتار انسان از گهواره تا گور به شمار می‌رود. شکل‌گیری دلبستگی در انسانها به طور قطع اتفاق می‌افتد، اما چگونگی ارتباطهای آغازین کودک با پرستار موجب شکل‌گیری شیوه‌های متفاوت دلبستگی می‌شود؛ شیوه‌هایی که همه از نوع ایمن نیست. دلبستگی برای زنده ماندن و رشد سالم اطفال ضروری است (بالبی، ۱۹۷۳، اینسورث<sup>۱</sup>، ۱۹۷۴؛ به نقل از صیادپور، ۱۳۸۵). بنابراین با توجه به اهمیت بلوغ عاطفی در دانش‌آموزان عقب‌مانده و نیز اهمیت سبک دلبستگی مادران در کیفیت رشد و شخصیت فرزندان، سعی شده است در این پژوهش ارتباط بین سبک دلبستگی مادر و بلوغ عاطفی عقب‌مانده مورد مطالعه قرار گیرد.

یکی از کارآمدترین ابزارهای مقابله با فشار روانی محیط اجتماعی بلوغ عاطفی می‌باشد. اگر افراد از دوره‌های پایانی کودکی و اوایل نوجوانی به این بلوغ مجهز شدند می‌توانند راههای مناسبی برای مشکلات بیابند و استرس خود را کاهش دهند. اما آنچه که روابط افراد را بهبودمی بخشد و موجب کارآمدی آنها می‌شود برخورداری از بلوغ عاطفی است. بلوغ عاطفی موجب ارتباط مؤثر با دیگران، همدلی با هموعان، حل تعارض و تضادها و حل مشکلات اجتماعی، سازگاری اجتماعی و بسیاری از توانمندی‌های دیگر می‌شود.

در شرایط حاضر نوجوانان و کودکان با مشکلات بسیاری در زندگی خویش مواجه می‌شوند. این مشکلات موجب مسائل روان- تنی بسیاری مانند اضطراب، تنش، ناکامی و آشفتگی عاطفی در زندگی روزمره می‌شوند. بنابراین مطالعه‌ی حیات عاطفی به صورت یکی از علائم توصیفی مطرح می‌شود. مفهوم رفتار عاطفی «بالغ» در هر سطح حاصل رشد طبیعی عاطفی است. شخصی قادر به کنترل عواطف خویش است که تأخیر در ارضاء را تحمل کند، بدون اینکه تأسف بخورد و رنج بکشد. اولین تعریف از عقب‌ماندگی ذهنی از سوی انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا، توسط هبر<sup>۲</sup> ابتدا در سال ۱۹۵۹ و سپس با تجدید نظر در سال ۱۹۶۱ ارائه گردید، وی در این تعریف، عقب‌ماندگی ذهنی را به کنش (عملکرد) پایین تر از حد متوسط عمومی هوش، که در دوران رشد ظاهر شده و همراه با اختلالاتی در رفتار انطباقی است، مربوط می‌داند. هبر، در این تعریف، سقف دوران رشد را تا ۱۶ سالگی در نظر گرفته است (انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا، ۱۳۸۰). انجمن مذکور در سال ۱۹۷۳ توسط گروسمن<sup>۳</sup> در تعریف فوق تجدید نظر کرده و تعریف دیگری به شرح زیر ارائه داده است: عقب‌ماندگی ذهنی

---

1. Ainsworth  
2. Hebb  
3. Grossman

مربوط است به کنش عمومی هوش که به طور معنی دار یا قابل ملاحظه‌ای کمتر از حد متوسط، عمل کرده و با نقیصی در رفتار انطباقی همراه بوده و در دوران رشد پدیدار شده است (افروز، هاشمی و نصرتی، ۱۳۸۵). همان طوری که ملاحظه می‌شود در این تعریف برای اینکه فردی به معنای دقیق کلمه، عقب‌مانده ذهنی محسوب شود، باید از نظر کنش هوشی و رفتار انطباقی به طور معنی دار یا قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر باشد، یعنی نمره‌ای که فرد در آزمون میزان شده هوشی کسب می‌کند، باید حداقل دو انحراف معیار پایین‌تر از میانگین باشد. مطابق با آزمون هوشی وکسلر، میانگین ۱۰۰ و انحراف معیار ۱۵ است. بنابر این فردی عقب‌مانده ذهنی محسوب می‌شود که دارای هوشبهر کمتر از ۷۰ باشد. تغییر دیگر در این تعریف مربوط می‌شود به دوران رشد که تا سقف سنی ۱۸ سالگی افزایش یافته است (انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا، ۱۳۸۰).

## ۱-۲ بیان مسئله

بالبی (۱۹۶۹) معتقد است که الگوهای پاسخ‌دهی فرد به فشارهای محیطی، متأثر از ارتباط عاطفی اولیه مادر-کودک می‌باشد و مؤثرترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی وی حتی در دوران بزرگسالی دارد. او عقیده دارد رفتار همدلانه، در ارتباط با الگوهای رفتار دلبستگی اولیه مادر و فرزند، رشد می‌کند که می‌تواند به صورت رفتارهای نوع دوستانه نیز در حیات اجتماعی بشر ظاهر شود. فردی که رفتار همدلی در او پرورش یافته می‌تواند عواطف و احساسات و نیازهای دیگران را درک کند و خود را با انتظارات دیگران در جامعه هماهنگ سازد. دلبستگی پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد (فوجل، ۱۹۹۷، نقل از خانجانی، ۱۳۸۷). تفاوت در این دلبستگی باعث شکل‌گیری سه سبک می‌شود که عبارتند از: الف) ایمن: کودک دارای این سبک تصویری که از خود می‌سازد، تصویری است که ارزش عشق و مراقبت دارد، و تصویری که از مادر می‌سازد، تصویر شخصی قابل اعتماد و اتکا است. استراتژی اولیه این کودک در تماس با دیگران، به دست آوردن عشق و حمایت است؛ ب) ناایمن اجتنابی: کودک این طبقه، تصویری که از خودش دارد به عنوان موجودی است که ارزش عشق و مراقبت ندارد، تصویر او از جهان به عنوان مکانی ناامن و ناراحت‌کننده است که پذیرای او نیست؛ لذا کمترین تعاملات صمیمی و فیزیکی را با مراقبشان دارند. استراتژی این کودک، کناره‌گیری و بی‌اعتمادی به دیگران است؛ ج) ناایمن دوسوگرا: نیازهای این قبیل کودکان از طرف مادر یا مراقبت‌کننده به صورت بی‌ثبات و دلخواه پاسخ داده می‌شود؛ لذا کودک تمام انرژی خود را صرف تفسیر کنش‌های مادر می‌کند تا بتواند علایمی را ارسال کند که از سوی مادر پاسخ بگیرد.

چنین کودک‌کی مطابق نیازهای مادر عمل می‌کند، استراتژی این کودک شدت بخشیدن به رابطه دلبستگی به مادر می‌باشد (بالبی، ۱۹۸۸؛ نقل از مظاهری، ۱۳۸۶).

کودکانی که از سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) برخوردارند، اغلب عصبی، ستیزه جو ضداجتماعی هستند (لاروس و تارابالسی و برنیر، ۲۰۰۵) رشد بعدی آنها ناسالم (چیس<sup>۱</sup>، استوال<sup>۲</sup> و پوزیر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰)؛ دارای مشکلات رفتاری، احساس تنهایی<sup>۴</sup> و رفتارهای ضداجتماعی<sup>۵</sup> (کیم<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵) ناسازگاری و درماندگی روانشناختی، عدم برقراری ارتباط دو طرفه رضایت بخش، اعتماد به نفس پایین، وجدان اخلاقی رشد نیافته و ضعیف، عدم تمایز در ابراز محبت بین آشنا و غریبه می‌باشند (استافورد<sup>۷</sup>، زیناه<sup>۸</sup> و اسپیرگا<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳). این موضوع وقتی اهمیت و گستردگی خود را آشکار می‌نماید که به یاد آوریم، این کودکان والدین آینده می‌باشند. بنابراین بررسی رابطه سبک دلبستگی مادر با مشکلات و مسائل مربوط به فرزندان آنها بسیار مهم و ضروری است. بنابراین با توجه به مشکلات کودکان عقب‌مانده ذهنی در بلوغ عاطفی و تأثیر منفی آن در کوتاه مدت و درازمدت بر تمام ابعاد زندگی و استقلال این کودکان و نیز اهمیت سبک دلبستگی مادران در تعیین کیفیت رشد و شخصیت فراوان، سعی شده است در این پژوهش، ارتباط بین سبک دلبستگی مادر و بلوغ عاطفی فرزند عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر وی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولاً شناخت به موقع مسائل و مشکلات عاطفی و روانی دانش‌آموزان، احتمال برطرف کردن این مسائل را بالا می‌برد. ثانیاً پی بردن به مسائل و مشکلات دانش‌آموزان به گردانندگان دستگاههای آموزشی امکان می‌دهد به نقاط ضعف برنامه‌های خود پی برده و در فکر اصلاح آنها برآیند و در برنامه‌ریزی، تفاوت موجود در نیازهای دانش‌آموزان به تفکیک جنس و نوع مدرسه را مورد حمله قرار دهند.

آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در مقابل اضطراب و افسردگی و دیگر مشکلات خلقی و عاطفی، باعث درهم ریختن سلامت روان و فروپاشی سازمان روانی آنها می‌گردد. در آمریکا ۵ تا ۹ درصد از کودکان در سنین مدرسه از اختلالات جدی عاطفی رنج می‌برند. این اختلالات به شکل آسیب‌هایی ظاهر می‌شود که از مشکلات رفتاری تا افسردگی را در برمی‌گیرد. همچنین ۳۰ درصد دانش‌آموزان آمریکایی ناتوان در تحصیل می‌باشند که

- 
1. Chase
  2. Stovall
  3. Pozier
  4. Loneliness
  5. Antisocial behavior
  6. Kim
  7. Stafford
  8. Zeanah
  9. Scheeriga

۵۰ درصد آنها (۱۵٪ کل دانش‌آموزان) دارای اختلالات عاطفی بوده و از مدرسه اخراج می‌شوند (گزارش آموزش ویژه، ۲۰۰۳).

از نظر سئول (به نقل از کرمی، ۱۳۷۸) اگر فردی رشد عاطفی تقریباً کاملی داشته باشد، دارای قابلیت انطباقی زیاد، تمایلات بازگشتی کم و حساسیت‌های حداقل می‌باشد. بنابراین همواره چنین فردی لزوماً همه عوامل منجر به اضطراب را حل نکرده است بلکه همواره طی فرایندی احساس، تفکر و عمل را تلفیق و سعی می‌نماید خویش را در چشم‌انداز روشن‌تری ببیند.

بالبی (۱۹۶۹) عقیده دارد، همان‌طور که ویتامین‌ها و پروتئین‌ها برای رشد و سلامت جسمانی کودک لازم است، عشق و محبت مادری نیز (که نشأت گرفته از سبک دلبستگی اوست) در دوران کودکی برای سلامت روان و رشد شخصیت کودک لازم و ضروری می‌باشد (میلانی‌فر، ۱۳۸۶). به نظر بالبی (۱۹۶۹) برای تأمین سلامت روانی و رشد هیجانی و عاطفی مطلوب کودک، برقراری روابط صمیمی، گرم، دایمی و رضایت‌بخش بین او و مادرش یا کسی که بطور شایسته‌ای بتواند جانشین وی شود، ضروری است. بنابراین پژوهشگر درصدد جستجوی پاسخ این پرسش است که آیا سبک دلبستگی مادر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر بلوغ عاطفی کودک عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر باشد؟ پس لازم این موضوع بررسی شود تا در صورت وجود ارتباط بین این دو متغیر در آینده بتوان با آموزش‌های لازم، رفتارها و اختلالاتی را که ناشی از سبک دلبستگی مادران بر بلوغ عاطفی کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر است، پیشگیری یا اصلاح نمود.

### ۱-۳ ضرورت و اهمیت پژوهش

مفهوم بلوغ در آثار روان‌شناسی مورد توجه کافی قرار نگرفته است. دوره بلوغ دورانی مهم از نظر شناخت خصایص و دوران تمایلات متضاد است. با ورود کودک به دنیای نوجوانی و بلوغ، ولادتی تازه و مرحله‌ای ویژه و مستقل از دوره‌های قبل و بعد پدید می‌آید که آن را مرحله انتقال، مرحله نجات از کودکی، دوران تحولات همراه با دگرگونی‌های سریع و غافلگیرکننده، مرحله طوفان حیات و مرحله نجات از طفیلی‌گری نیز می‌نامند.

افراد در این دوران احیاناً با ترس و بیم‌هایی مواجه می‌گردند که رفع و تعدیل آن نیازمند به حمایت از سوی

والدین و مربیان است (قائمی، ۱۳۸۰).